

بررسی نظر سیارات به یکدیگر در شعر نظامی گنجوی (قران، مقابله، ترییع، تثلیث و تسدیس)

مظاهر نیکوואه

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شهرکرد

چکیده

بنا به اعتقاد و باورهای قدیمی و مطابق احکام علم نجوم، برای انجام هر کاری جز کارهای عادی و روزانه، مراجعه به تقویم و یافتن طالع و وقت مناسب در بین مردم رایج بوده و هست. این باورها مبتنی بر علم نجوم قدیم بوده و بسیاری از آنها امروزه به صورت علمی ثابت شده است. شاعران هر عهده‌ای با استفاده از این علم و باورها، در مضامین شعری خود تصاویر زیبایی آفریده‌اند. این تصاویر علاوه بر نمایش ارزش و اعتبار هنری شاعر، بیانگر میزان علم و دانش وی در نجوم و رصد ستارگان بوده است. از جمله این مضامین، بحث قران، مقابله، ترییع، تثلیث و تسدیس است و این مقاله کوشیده است تا این مضامین و نحوه استفاده از آنها را در شعر حکیم نظامی گنجوی بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: قران، مقابله، ترییع، تثلیث، تسدیس، نظامی گنجوی.

مقدمه

اگر شادیم اگر غمگین در این دیر نه‌ایم ایمن ز دوران کهن‌سیر

(نظامی 1376 ب: 125)

حکیم نظامی گنجوی یکی از شاعران دانا به علوم روزگار خود است. طی بررسی‌های انجام شده، یکی از این علوم، نجوم است، به گونه‌ای که او در تمام آثارش حتی یک بیت نقیض آنچه علمای نجوم درباره آن بحث کرده‌اند، ندارد و تمام مضامین و تصاویری که ایجاد کرده است، با تمام اصول علم نجوم همخوانی دارد. از مواردی که در *خمس نظامی* به آن توجه شده است، موضوع نظر سیارگان در *منطقه البروج* به یکدیگر است که به واسطه این نظرها، سعادت یا نحوست به وجود می‌آمده است و دانشمندان علم نجوم قدیم با علم به این نظرها و خاصیت آنها، آینده کسی یا جامعه‌ای را پیشگویی می‌کردند. این نظرها عبارتند: از قران، مقابله، ترییع، تثلیث و تسدیس، که هر کدام از اینها در شعر نظامی جلوه خاصی دارد.

قِران

قِران، قرار گرفتن دو یا چند سیاره در یک برج از بروج دوازده‌گانه است که این حالت را «مقارنه» یا «مجامعه» یا «مجاوده» هم می‌گویند. البته گاه مقارنه هر کدام از سیارات با سیارات دیگر را جداگانه نام‌گذاری کرده‌اند، به طور مثال قِران ماه و خورشید را «اجتماع»، اتصال و قِران عطارد و زهره و خورشید را «اتصال» و قِران خورشید با مریخ و مشتری و زحل را «احتراق» گویند. «قِران» به صورت مطلق برای زحل و مشتری به کار می‌رود و اگر قِران سیاره دیگری مد نظر باشد، نام یا خصوصیات آن سیارات در پی کلمه قِران خواهد آمد، مانند قِران زهره و مشتری که «قِران سعدین» نام دارد. به طور کلی این نکته گفتنی است که قِران را در احکام نجومی حالت تمام دوستی و سعدی می‌دانند. (مصفی 1366 : 580)

نظامی در مدح شاه مظفرالدین قزل ارسلان - که وی را دارای طالعی سعد و قرین سعادت می‌داند و ادعا دارد چون در عهد او زندگی می‌کند، نباید از هیچ حادثه‌ای بیم نباید داشته باشد - می‌گوید:

بر اهل روزگار از هر قِرانی	نیامد بی‌ستمکاری زمانی
ز خسف این قِران ما را چه بیم است؟	که داردادگر داور رحیم است
قِرانی را که با این داد باشد	چو فال از باد باشد، باد باشد

(نظامی 1376 ب : 28)

نظامی در خسرو و شیرین، به استعاره این دو عاشق و معشوق را ماه و خورشید خوانده است و در کنار یکدیگر بودن این دو را قِران و سعد دانسته که بی‌گمان اشاره دارد به همان سعادت‌تی که در قِران خورشید و ماه در علم نجوم مطرح است. برج عشقبازان از بروج نجومی نیست، اما نظامی شکارگاه خسرو - که این دو عاشق و معشوق در آن به هم رسیده‌اند - را برج عشقبازان دانسته تا تناسبی بین قِران و ماه و خورشید و برج ایجاد کند و علاوه بر آن اگرچه ماه و خورشید همان‌گونه که گفته شد به استعاره خسرو و شیرین هستند، اما به هر حال در معنی اصلی، برجی برای قِران می‌خواهند و کلمه برج از این بابت آمده است و گرنه چنین برجی در منطقه البروج وجود ندارد. نیز می‌گوید:

مه و خورشید را دیدند نازان قِران کرده به برج عشقبازان

(همان : 117)

و یا در جای دیگر این داستان، قِران زهره و مشتری (قِران سعدین) - که سعد مطلق است - را در نظر گرفته و می‌گوید:

سعادت برگشاد اقبال را دست قِران مشتری در زهره پیوست

(همان : 135)

چنانچه رسم شاعران است، نظامی هم ممدوحان خود، به ویژه حضرت رسول (ص) را در نهایت اوج می بیند و برای بیان عظمت ایشان از احکام نجومی بهره می گیرد. برای مثال درباره خوش‌یمنی حضرت رسول اکرم (ص) او را صاحب قران یعنی سعادت‌مند می گوید:

که شاهی کاردشیر بابکان بود	به چستی پیشوای چابکان بود
ز راز انجم و گردون خبر داشت	در احکام فلک نیکو نظر داشت
ز هفت اختر چنین آورد بیرون	که در چندین قران از دور گردون
بدین پیکر پدید آید نشانی	در اقلیم عرب صاحب قرانی
سخنگوی و دلیر و خوب‌کردار	امین و راست‌عهد و راست‌گفتار
به معجز گوش مالد اختران را	بدین خاتم بود پیغمبران را

(نظامی 1376 ب : 432)

بنابر آنچه ابوریحان بیرونی در *التفهیم* گفته است: «ماه و عطارد بنای دوستی دارند» (ابوریحان بیرونی 1367 : 402) بنابراین قران این دو در یک برج سعد خواهد بود. نظامی باتوجه به این موضوع، رفتن خود به درگاه قزل شاه را چون قران ماه و عطارد خوانده است:

برون آمد ز درگه حاجب خاص	ز دریا داد گوهرها به غواص
مرا در بزمگاه شاه بردند	عطارد را به برج ماه بردند

(همان : 451)

همچنین قران خورشید با عطارد را بهانه‌ای کرده است تا به تخت نشستن بهرام را در زمانی سعد و با اقبالی خوش مقارن بداند:

آفتابی در اوج خویش بلند	در قران با عطاردش پیوند
-------------------------	-------------------------

(نظامی 1376 ز : 99)

در جایی دیگر با همین مضمون گفته است:

ماه و خورشید بچه‌ای زاده است	زهره شیر عطاردش داده است
------------------------------	--------------------------

(نظامی 1376 ز : 217)

قران زهره و عطارد در برج حوت مورد نظر نظامی است که زهره، سعادت را چون شیر در این برج از عطارد به واسطه تثلیث به بچه زاده شده از موصلت یا قران ماه و خورشید، داده است. بنابراین بهرام - که فرزند یاد شده است - هم صاحب قران ماه و خورشید است و هم سعادت زهره را در خانه شرفش، برج حوت، داراست و هم سعادت عطارد - که خود سیاره سعد است و در تثلیث سعد نیز قرار دارد - را از آن خود کرده است. علاوه بر اینها،

عطارد در این تثلیث از راست به خانه شرف خود یعنی برج عقرب نظر دارد، که این خود بر سعادت این تثلیث می‌افزاید، و ناگفته پیداست فرزندی که بدین طالع زاده شود، بی‌گمان سعادت‌مند خواهد بود. نظامی در قران زهره و عطارد که هر دو سعد به شمار می‌آیند، می‌گوید:

دختر خویش را سپرد به خیر زهره را داد با عطارد سیر

(همان : 284)

نظامی در شرف‌نامه برج ثور - که خانه زهره و خانه شرف ماه است - را در نظر گرفته و ماه و زهره را در این خانه قران کرده است که این قران دو سعد در خانه‌های خود، اوج سعادت است و علاوه بر آنها، عطارد را نیز به جوزا یعنی خانه او برده تا سعد کامل‌تر شود تا بدین وسیله اسکندر را صاحب قران بداند:

به وقت ولادت بفرمود شاه که دانا کند سوی اختر نگاه
ز راز نهفته نشانش دهد وزان جنبش آرام جانش دهد
شناسندگان برگرفتند ساز ز دور فلک بازجستند راز
به سیر سپهر انجمن ساختند ترازوی انجم برافراختند ...
عطارد به جوزا برون‌تاخته مه و زهره در ثور جا ساخته

(نظامی 1376 ج : 83)

در اقبال‌نامه نیز صاحب‌قرانی اسکندر را این‌گونه یاد کرده است:

همان فیلسوف مهندس‌نهاد ز تاریخ روم این‌چنین کرد یاد
که چون پیشوای بلنداختران سکندر، جهان‌دار صاحب‌قران
ز تعلیم دانش به جایی رسید که دادش خرد بر گشایش کلید
بسی رخنه را بستن آغاز کرد بسی بسته‌ها را گره باز کرد
بدانستن علم‌های نهان تمامی جز او را نبود از جهان

(نظامی 1376 آ : 135)

همچنین اعتقاد به نحسی و سعدی سیارگان، نظامی را واداشته تا در انتظار قران اختران سعد باشد و این‌گونه

بگوید:

که این اختران گرچه فرخ‌په‌اند ز نافرخی نیز خالی نی‌اند
چو نحس اوفتد دور سیارگان بود دور دور ستمکارگان
شمار ستم تا نیاید به سر به گیتی نیاید کسی دادگر
چو باز اختر سعد یابد قران به نیکی رسد کار نیکی اختران

(همان : 274)

مقابله

هر گاه فاصله دو سیاره در منطقه البروج و نظر آنها به یکدیگر یکصد و هشتاد درجه باشد، این نظر را مقابله گویند، یعنی فاصله شش برج بین دو سیاره. در نجوم احکامی در بین تمام سیارات با یکدیگر، این حالت، حالت دشمنی تمام است و تقابل خورشید و ماه را «استقبال» یا «متلاء» گفته‌اند. برج‌هایی که با هم تقابل دارند عبارتند از: حمل و میزان، ثور و عقرب، جوزا و قوس، سرطان و جدی، اسد و دلو، سنبله و حوت. (مصفی 1366: 746)

همان‌گونه که بیان شد، مقابله، دشمنی و نحسی به همراه دارد و نظامی با عنایت به این موضوع، حوادثی از قبیل زلزله و حوادث ناگوار دیگر را نتیجه مقابله سیارات می‌داند که در حقیقت نامناسب شدن قران این سیارات است. بنابراین می‌گوید:

هم زمین را با خلائق ناموافق شد مزاج هم فلک را با کواکب نامناسب شد قران

(نظامی 1376 د: 300)

تربیع

هنگامی که فاصله دو سیاره در منطقه البروج به نود درجه برسد، نظر سیارات به یکدیگر تربیعی است و حالت نیمه‌دشمنی. برج‌هایی که با هم این حالت را دارند، عبارتند از: حمل و سرطان، حمل و جدی، میزان و جدی، میزان و سرطان، ثور و قوس، ثور و اسد و به همین شیوه هر برج با دو برج بعد از خود با فاصله نود درجه در تربیع هستند.

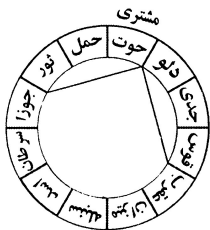
آنچه بیشتر در این بحث مورد نظر است، حالت نیمه‌دشمنی تربیع است که منجمان و به تبع آنها شاعران و دانشمندان هر عهده‌ی نیز از این حیث بدان نگریسته‌اند. از این جمله، نظامی سعی دارد با قرار دادن سیارات سعد از جمله مشتری در این حالت، نحسی و دشمنی را به دوستی و سعادت تبدیل کند و از این موضوع بهره‌گیرد. وی ممدوح خود را به سیاره مشتری در این حالت تشبیه می‌کند و او را در هر حالتی، چه تربیع و چه تثلیث - که بحث آن خواهد آمد - بزرگوار، مفید و سودمند نشان می‌دهد و بنابراین در مدح اتابک نصرت‌الدین - یکی از ممدوحانش - چنین می‌گوید:

چو سیاره مشتری سربلند نظرهای او یک به یک سودمند

به تربیع و تثلیث گوهرفشان مربع‌نشین و مثلث‌نشان¹

(نظامی 1376 ج: 525)

مشتری در فلک ششم جای دارد و جایگاه او از دیگر سیارات بلندتر است. از همین رو سربلند دانسته شده و ممدوح نیز به دلیل سربلندی به او شباهت یافته است، اما اگر سودمندی نظرها به مشتری برگردد، نظر تربیع و تثلیث است و اگر به ممدوح برگردد، ایده و اندیشه او خواهد بود که ما در اینجا درباره نظر تربیعی آن بحث می‌کنیم. سیاره مشتری مطابق علم نجوم احکامی سعد اکبر است و به همین مناسبت حتی اگر در حالت تربیعی هم قرار گیرد که نظر نیمه‌دشمنی است، دشمنی او به دوستی بدل خواهد شد. اگر چه نظامی در این تربیع برج خاصی را برای مشتری قرار نداده است که نظر تربیعی او را بررسی کنیم، اما می‌دانیم که معمولاً سیارات از خانه خود نظر بر دیگر سیارات دارند، بنابراین منازل مشتری - برج حوت و قوس - را در این تربیع‌ها بررسی می‌کنیم.



اگر مشتری در خانه خود یعنی حوت باشد، از چپ به برج جوزا و از راست به قوس نظر دارد. قوس یکی دیگر از خانه‌های مشتری است و سعد است و نیز اگر از قوس، خانه دیگرش، نظر افکند از چپ به حوت و از راست به سنبله می‌نگرد که در این حالت نیز به دلیل نظر به خانه دیگر خود، سعد است. پس تربیع برای این سیاره نه تنها دشمنی یا نحسی ندارد که دوستی و سعدی نیز به شمار می‌آید و نظامی ممدوح خود را به دلیل داشتن همین ویژگی‌ها به مشتری تشبیه کرده و او را سربلند و دارای نظرهای سودمند دانسته است، به گونه‌ای که در هیچ حالتی بدیمن و نحس نخواهد بود.

نکته جالب اینکه نظامی چه در مقابله و چه تربیع، شواهد چندانی ندارد، گویا چندان از این دو حالت دل خوشی نداشته است و هر بار از آنها سخن می‌گوید، به گونه‌ای دشمنی و نحسی آنها را از بین می‌برد یا خواهان از بین رفتن آنهاست.

تثلیث

تثلیث یعنی قرار گرفتن دو سیاره در برج‌های فلکی، به گونه‌ای که بین آنها یکصد و بیست درجه یا چهار برج فاصله باشد. نظر سیارات به یکدیگر در این حالت را نظر تثلیثی گویند و به اعتقاد منجمین احکامی، نظری تمام دوستی و سعد است.

نظامی از این موضوع به اشکال زیر بهره‌مند شده است:

ز ثورش زهره وز خرچنگ برجیس سعادت داده از تثلیث و تسدیس

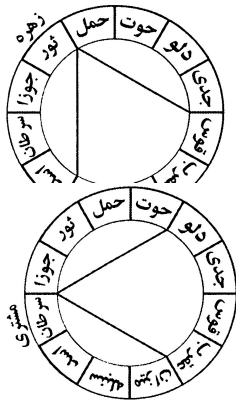
(نظامی 1376 ب : 165)

در بیت بالا، دو تثلیث در نظر است که به شرح آن می‌پردازیم: ابتدا تثلیث زهره در برج ثور که از چپ با برج سنبله و از راست با برج جدی ایجاد شده است و علاوه بر نظر تمام دوستی که در تثلیث است، زهره در خانه خود یعنی برج ثور جای دارد و این خود به سعد بودن تثلیث می‌افزاید یا به عبارت دیگر، سعد تثلیث را قوت می‌بخشد.

تثلیث دیگر این بیت به شرح ذیل است:

مشتري (سعد اکبر) در برج سرطان - که خانه شرف اوست - با برج های حوت از راست و عقرب از چپ تثلیث دارد.² لازم به ذکر است که حوت خود یکی از خانه های مشتري است پس نظر راست تثلیث مشتري بر خانه خود است و ناگفته پیداست که سعد اکبر وقتی در تثلیث - که نظری تمام دوستی است - بر خانه دیگر خود نیز نظر داشته باشد، سعد بودن این روزگار که شاعر از آن سخن می گوید تا چه حد خواهد بود.

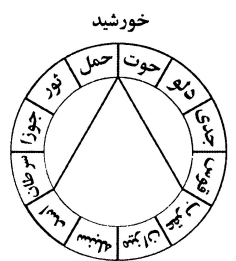
در بیتی دیگر می گوید:



چون به تثلیث مشتري و زحل شاه انجم ز حوت شد به حمل
سبزه خسروش جوانی یافت چشمه آب زندگانی یافت

(نظامی 1376 ز: 315)

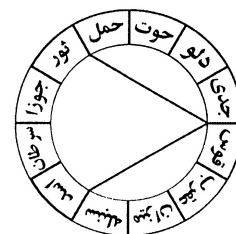
در شرح تثلیث این بیت باید گفت خورشید در حمل، خانه شرف خود، قرار دارد و سعد است و در توالی بروج بی گمان مشتري در این حالت با فاصله یکصد و بیست درجه در برج قوس قرار دارد، همچنین زحل با همین فاصله از خورشید قرار گرفته است و مشتري در برج اسد مسکن گزیده، بنابراین خورشید در حالت سعد است زیرا در خانه خود است و علاوه بر این سعد، سعد اکبر (مشتري) در خانه خود برج قوس قرار دارد و بر سعد تثلیث می افزاید. بنابراین، این زمان برای مقابله با دشمن بسیار مناسب و همراه با یاری بخت و اقبال خواهد بود.
همچنین در جای دیگر می گوید:



در دهم ماه و در ششم بهرام مجلس آراسته به تیغ و به جام

(همان: 99)

نظامی در بیت بالا سیاره ماه را در برج جدی قرار داده است که به تثلیث راست نظر بر مریخ در برج سنبله دارد. برج جدی خانه وبال ماه است، اما چون با مریخ در سنبله تثلیث ایجاد کرده و تثلیث مریخ در سنبله نیز از سوی دیگر با جدی است و جدی خانه شرف مریخ، پس سعدی تثلیث، هم نحوست مریخ را می کاهد و هم وبال ماه را از بین می برد و از سویی نیز ماه در جدی به ثور نظر تثلیثی دارد و ثور خانه شرف ماه است و خود به خود علاوه بر سعدی تثلیث، سعدی نظر ماه بر خانه شرف را نیز به همراه خواهد داشت. بنابراین زمانی با این وضعیت سعد در آسمان، زمان مناسبی برای به تخت نشستن بهرام است.



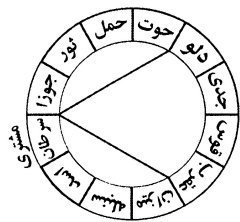
در جای دیگر می گوید:

چو سیاره مشتری سر بلند
 به تربیع و تثلیث گوهر فشان
 نظرهای او یک به یک سودمند
 مربع نشین و مثلث نشان

(نظامی 1376 ج : 525)

همچنان که در بحث تربیع آمده، سیاره مشتری سعد اکبر است و حتی در تربیع هم سعد بوده چه رسد به تثلیث که سعد او دو چندان است. معمولاً شاعران و به ویژه نظامی بیشتر تثلیث سیارات را از خانه های خود مد نظر داشته اند که پیش از این نیز گفته شد. سودمندی نظر مشتری و ممدوح را در بحث تربیع گفته ایم، بنابراین در اینجا فقط بحث تثلیث را شرح خواهیم کرد.

اگر مشتری (سعد اکبر) از خانه شرف خود (سرطان) نظر تثلیثی داشته باشد، از راست به حوت، خانه دیگرش، نظر دارد و از چپ به عقرب. حال در بحث سعد بودن این تثلیث باید گفت: اول آنکه مشتری سعد اکبر است و نظرهای او همه سعد، دوم آنکه مشتری در تثلیث است و تثلیث هم سعد، سوم اینکه نظر تثلیثی راست که بیشتر مد نظر منجمین بوده است بر خانه دیگر مشتری است و این نیز سعد خواهد بود.



پس احوال پادشاهی به نام نصرت الدین اتابک با خصوصیاتی این چنین دیگر جای هیچ گونه بحث نمی گذارد که بخت او چگونه است یا نظرات او چگونه خواهد بود.

بی گمان از دید نظامی روزگاری که این سلطان در آن زندگی می کند و سرزمینی که بر آن حکومت می کند، همه خیر و برکت و سعادت است و تمام نظرات این سلطان چون نظرات سیاره مشتری، سعد اندر سعد خواهد بود.

نظامی در جای دیگر تصویری دیگر از تثلیث به وجود آورده است:

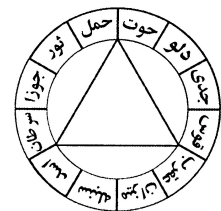
بر شهـره منزل کواکب اجرام بروج گشته راکب
 بسته به سه پایه هوایی بطن الحمل از چهارپایی

(نظامی 1376 ه : 176)

سه پایه هوایی، سه برج جوزا، میزان و دلو است که مثلث هوایی³ را تشکیل می دهند. این سه برج با یکدیگر در

منطقه البروج تثلیث دارند. سه پایه یا مثلث هوایی چنانچه گفته شد، یکی از صور فلکی است که حمل پهلوی آن قرار گرفته است، مراد اینکه چهارپای حمل به سه پایه هوایی بسته شده است و در بعضی از نسخ به جای «بسته»، «رسته» آمده است که غلط است. (نظامی 1376 ه ،

تعلیقات : 176)



تسدیس

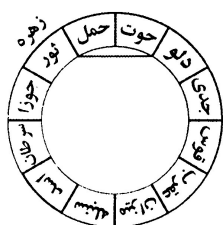
تسدیس یعنی قرار گرفتن دو سیاره به فاصله شصت درجه از یکدیگر، که در علم نجوم احکامی نظر نیمه دوستی و سعد است. بروجی که با یکدیگر تسدیس دارند عبارتند از:

حمل با جوزا، ثور با سرطان، جوزا با اسد، سرطان با سنبله، اسد با میزان، سنبله با عقرب، میزان با قوس، عقرب با جدی، قوس با دلو، جدی با حوت، حوت با ثور.

ابیاتی که نظامی در بحث تسدیس آورده است:

چو سر بر کرد مه از برج ماهی⁴ مه پیروز شد در برج شاهی
 ز ثورش زهره وز خرچنگ برجیس سعادت داده از تثلیث و تسدیس

(نظامی 1376 ب: 165)



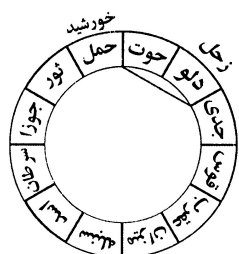
همان‌گونه که گفته شد تسدیس نظر نیمه‌دوستی و سعد دانسته شده است، بنابراین نظامی با علم به این موضوع، به تخت نشستن خسرو در ایوان مدائن را مناسب و سعد دانسته است، زیرا زهره در ثور از راست با برج حوت، خانه شرف خود، در تسدیس است که سعادت در این تسدیس را دوچندان می‌کند.

تسدیس دیگری در این بیت وجود دارد که تسدیس مشتری از سرطان، خانه شرف خود، از چپ با حوت، خانه دیگرش، در 240 درجه یعنی چهار شصت درجه است و از راست با 120 درجه با همان خانه و این حالت، سعد در سعد است به دلیل سعد اکبر بودن مشتری و در تسدیس قرار گرفتن و نظر به خانه دیگر خود کردن از چپ و راست. حال نکته اینکه مشتری (سعد اکبر) در دو تسدیس سعد قرار گرفته و روزگاری و زمانی این چنین بی‌گمان برای به تخت نشستن مناسب است و بخت و طالع خوشی برای خسرو به ارمغان خواهد آورد.

در بیتی دیگر می‌گوید:

ز پرگار حمل خورشید منظور به دلو اندر فکنده بر زحل نور

(همان: 166)

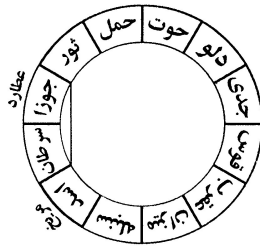


خورشید در این بیت از خانه شرف خود (حمل) به سیاره زحل در بوج دلو، که خانه اوست، از راست نظر تسدیس داد و سعد به شمار می‌آید و لازم به ذکر است که نظر

تسدیسی از راست است و ارزش آن بیشتر، و نکته دیگر اینکه هر دو (خورشید و زحل) در خانه خود جای دارند و این خود سعدی دیگر است. پس سعد در سعد است و برای به تخت نشستن خسرو زمانی مناسب است. نظامی در این بیت گوید:

عطارد کرده ز اوّل خط جوزا سوی مریخ شیرافکن تماشا

(نظامی 1376 ب : 166)



در این بیت هم عطارد در خانه خود (جوزا) قرار گرفته است و از این رو سعد است و این علاوه بر سعادت است که از نظر علم نجوم در اوست، و سیاره مریخ با تمام نحسی که دارد چون در خانه خود است (اسد) و نظر عطارد سعد بر اوست، نحسی خود را از دست داده و سعد شده، زیرا عطارد از جوزا به تسدیس چپ بر او نظر افکنده است، بنابراین زمانی مسعود برای به تخت نشستن خسرو است.

در بیتی دیگر گوید:

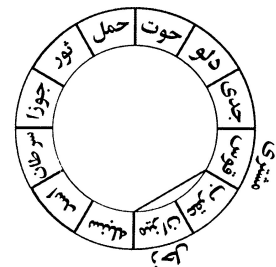
گفت وقتی چو زهره در تسدیس با سلیمان نشسته بود بلقیس

(نظامی 1376 ز : 188)

حضرت سلیمان (ع) وقت مناسبی را برای هم نشینی با بلقیس انتخاب کرده است⁵ زیرا زهره (سعد اصغر) در تسدیس قرار دارد و سعد در سعد خواهد بود. نظامی برای زهره مطابق رسمی که پیش تر بیان شده، خانه ای بیان نکرده است و چون سیارات در خانه خود سعد به شمار می آیند، خانه شرف زهره، حوت است و دو خانه دیگرش ثور و میزان. حال اگر زهره در حوت باشد با ثور، که خانه دیگر اوست، در تسدیس خواهد بود و علاوه بر سعدی تسدیس، سعدی هر دو خانه نصیب سلیمان خواهد شد. و در جای دیگر می گوید:

بر آراسته قوس را مشتری زحل در ترازو به بازیگری

(نظامی 1376 ج : 83)



مشتری (سعد اکبر) در خانه خود (قوس) در تسدیس راست نظر بر میزان دارد که خانه شرف زحل است. حال اگر سعد اکبر در خانه خود بر زحل - که در خانه شرف است - ناظر باشد، سعادت چند برابر و زمان مناسبی برای تولد است و زاده این روز، طالع خوشی خواهد داشت و آن کسی نیست جز اسکندر که از دید نظامی دارای این طالع و بخت و اقبال است.

نتیجه‌گیری

از آنجا که نظامی از دانش‌آموختگان مکتب‌خانه‌های قدیمی است، از بیشتر علوم روزگار خود از جمله نجوم، طب، فلسفه و ... اطلاعاتی داشته است. بررسی این علوم در شعر نظامی، از آگاهی و میزان دانش او خبر می‌دهد. این نوشتار بر آن بود تا ثابت کند دانش نظامی در علم نجوم تا چه حد است و از این علم در بیان مقصود خود و مدح ممدوحان خود چه بهره‌ای برده است.

پی‌نوشت‌ها

1- نظامی، اتابک نصره‌الدین را چون سیاره مشتری می‌داند که نظرهای او همه سعد و سودمند است. سیاره مشتری در فلک ششم است و از پنج سیاره دیگر بلندتر است و نظرهای او در تربیع و تثلیث همه سعادت است و نحوستی نخواهد داشت. بنابراین، این پادشاه بلند جایگاه بوده و نظرهای او نیز سودمند است. این نظرهای تربیعی و تثلیثی او همه گوهرفشان است و مراد او از تربیع چهارزانو نشستن اوست و تثلیث او را به مثلث یا سه صف نشان دادن امرا و بزرگان تعبیر می‌کند. سه صف یکی سمت چپ، یکی راست و دیگری روبه‌رو که خود ایجاد مثلث می‌کند (نظامی 1376 ه، تعلیقات وحید دستگیری: 525)

2- نظر تثلیثی از چپ خلاف عقربه‌های ساعت و نظر تثلیثی راست مطابق حرکت عقربه‌های ساعت و معمولاً نظر راست ارجح‌تر بوده است. برای اطلاع بیشتر ر. ک. به صفحه 82 از: ماهیار، عباس. 1382. شرح مشکلات خاقانی، دفتر یکم «شری تا ثریا».

3- مثلث هوایی: ستاره‌شناسان هر یک از دوازده برج را به یکی از چهار عنصر نسبت داده‌اند و این دوازده برج را این‌گونه تقسیم‌بندی کرده‌اند. اولین برج را به آتش، دومی را به خاک، سومی را به باد، چهارمی را به آب و به همین ترتیب برج پنجم را به آتش، برج ششم را به خاک، برج هفتم را به باد، برج هشتم را به آب، برج نهم را به آتش، برج دهم را به خاک، برج یازدهم را به باد و برج دوازدهم را نیز به آب. بنابراین به شرح جدول زیر چهار مثلثه به وجود می‌آید:

الف) مثلثه آتشین شامل برج‌های حمل، اسد و قوس.

ب) مثلثه خاکی شامل برج‌های ثور، سنبله و جدی.

ج) مثلثه هوایی شامل برج‌های جوزا، میزان و دلو.

د) مثلثه آبی شامل برج‌های سرطان، عقرب و حوت.

4- برج ماهی همان برج حوت است. بنابر گفته دکتر ابوالفضل مصفی در صفحه 213 کتاب فرهنگ اصطلاحات نجومی، برج حوت هبوط عطارد است و قمر یا ماه شریک عطارد. بنابراین، این برج، برج هبوط ماه نیز به شمار

می‌آید و چون در ابیات بعد صحبت از سعادت است، پس خارج شدن ماه از برج حوت و حرکت به طرف حمل و بعد از آن ثور - که خانه اوست - سعد دانسته شده است.

5- بحث فرزند ناقص حضرت سلیمان و بلقیس است که این دو در وقتی خوش، که شرح آن در مقاله گذشت، در اندیشه یافتن سلامتی فرزند خودند تا جبرئیل می‌آید و علاج فرزند آن دو را به راست‌گویی هر دو منوط می‌کند و آن دو راست‌گویی پیشه کرده و سلامت فرزند خود می‌یابند. برای اطلاع بیشتر ر. ک. به: نظامی 1376 ز: 188.

کتابنامه

- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد. 1367. *التفهیم لوائل الصناعه و التنجیم*. به تصحیح جلال‌الدین همایی. چ 4. تهران: هما.
- دهخدا، علی اکبر. 1377. *لغت‌نامه*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- قمی، ابونصر حسن بن علی. 1375. *ترجمه المدخل الی علم احکام نجوم*. از مترجمی ناشناخته و به مقدمه و تصحیح اخوان زنجانی جلیل. چ 1. تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
- ماهیار، عباس. 1382. *شرح مشکلات خاقانی*. دفتر یکم، ثری یا ثریا. چ اول. کرج: جام گل.
- مصفی، ابوالفضل. 1366. *فرهنگ اصطلاحات نجومی*. چ 2. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- معین، محمد. 1384. *تحلیل هفت پیکر نظامی*. چ 1. تهران: معین.
- نظامی گنجوی. 1376. *آقبال‌نامه*. به تصحیح حسن وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. چ 1. تهران: قطره.
- _____ . 1376 ب. خسرو و شیرین. به تصحیح حسن وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. چ 1. تهران: قطره.
- _____ . 1376 ج. *شرف‌نامه*. به تصحیح حسن وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. چ 1. تهران: قطره.
- _____ . 1376 د. *گنجینه*. به تصحیح حسن وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. چ 1. تهران: قطره.
- _____ . 1376 ه. *لیلی و مجنون*. به تصحیح حسن وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. چ 1. تهران: قطره.
- _____ . 1376 و. *مخزن الاسرار*. به تصحیح حسن وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. چ 1. تهران: قطره.
- _____ . 1376 ز. *هفت پیکر*. به تصحیح حسن وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. چ 1. تهران: قطره.